

دستور بدوی \ شکل بند

وفا خلیقی

۲۰ بهمن ۱۳۹۲

توضیح

شکل کلی فرمان \ شکل بند به صورت زیر است:

$$\boxed{l_n \ i_n \ \dots \ l_2 \ i_2 \ l_1 \ i_1 \ n = \text{\ شکل بند}}$$

۱. n یک عدد صحیح مثبت می باشد که تعداد بندهایی را مشخص می کند که دارای طول l_k و تورفتگی حاشیه چپ i_k هستند. در اینجا $1 \leq k \leq n$ می باشد.
۲. هر l_k مقدار طول بند k ام می باشد بنابراین l_1 مقدار طول بند ۱ام می باشد.
۳. هر i_k مقدار تورفتگی حاشیه چپ بند k ام می باشد بنابراین i_1 مقدار تورفتگی حاشیه چپ بند ۱ام می باشد.
۴. اگر پاراگراف کمتر از n بند داشته باشد، مشخصات اضافی نادیده گرفته خواهد شد و اگر پاراگراف بیشتر از n بند داشته باشد، مشخصات بند m ام (i_n و l_n) برای باقی بندها تکرار خواهد شد.
۵. برای خنثی کردن اثر فرمان \ شکل بند، فرمان \ شکل بند = \circ را قرار می دهیم.

یک نمونه

مأخذ اصلی فردوسی در به‌نظم کشیدن داستان‌ها، شاهنامه منثور ابومنصوری بود که چندی پیش از آن توسط یکی از سپهداران ایران دوست خراسان از روی آثار و روایات موجود گردآوری شده بود. فردوسی در شاهنامه از پنج راوی شفاهی نیز به نام‌های آزادسرو، شادان برزین، ماخ پیر خراسانی، بهرام و شاهوی یاد کرده که او را در بازگ کردن داستان‌ها یاری رسانده‌اند اما ذبیح‌الله صفا استدلال کرده‌است که

مأخذ اصلی

فردوسی در به‌نظم

کشیدن داستان‌ها، شاهنامه

منثور ابومنصوری بود که چندی

پیش از آن توسط یکی از سپهداران

ایران دوست خراسان از روی آثار و روایات

موجود گردآوری شده بود. فردوسی در شاهنامه

از پنج راوی شفاهی نیز به نام‌های آزادسرو،

شادان برزین، ماخ پیر خراسانی، بهرام و شاهوی

یاد کرده که او را در بازگ کردن داستان‌ها یاری

رسانده‌اند اما ذبیح‌الله صفا استدلال کرده‌است

که به احتمال فراوان روایان یادشده مربوط

به روزگاران پیشین بودند و فردوسی

به جهت احترام از آنان سخن به زبان آورده

و هیچکدام معاصر یا حکیم طوس

نبوده‌اند. کرده‌است که به احتمال

فراوان روایان یادشده مربوط به

روزگاران پیشین بودند و

فردوسی به

به احتمال فراوان روایان یادشده مربوط به روزگاران پیشین بودند و فردوسی به جهت احترام از آنان سخن به زبان آورده و هیچکدام معاصر یا حکیم طوس نبوده‌اند. مأخذ اصلی فردوسی در به‌نظم کشیدن داستان‌ها، شاهنامه منثور ابومنصوری بود که چندی پیش از آن توسط یکی از سپهداران ایران دوست خراسان از روی آثار و روایات موجود گردآوری شده بود. فردوسی در شاهنامه از پنج راوی شفاهی نیز به نام‌های آزادسرو، شادان برزین، ماخ پیر خراسانی، بهرام و شاهوی یاد کرده که او را در بازگ کردن داستان‌ها یاری رسانده‌اند اما ذبیح‌الله صفا استدلال کرده‌است که به احتمال فراوان روایان یادشده مربوط به روزگاران پیشین بودند و فردوسی به جهت احترام از آنان سخن به زبان آورده و هیچکدام معاصر یا حکیم طوس نبوده‌اند. مأخذ اصلی فردوسی در به‌نظم کشیدن داستان‌ها، شاهنامه منثور ابومنصوری بود که چندی پیش از آن توسط یکی از سپهداران ایران دوست خراسان از روی آثار و روایات موجود گردآوری شده بود. فردوسی در شاهنامه از پنج راوی شفاهی نیز به نام‌های آزادسرو، شادان برزین، ماخ پیر خراسانی، بهرام و شاهوی یاد کرده که او را در بازگ کردن داستان‌ها یاری رسانده‌اند اما ذبیح‌الله صفا استدلال کرده‌است که به احتمال فراوان روایان یادشده مربوط به روزگاران پیشین بودند و فردوسی به جهت احترام از آنان سخن به زبان آورده و هیچکدام معاصر یا حکیم طوس نبوده‌اند. کرده‌است که به احتمال فراوان روایان یادشده مربوط به روزگاران پیشین بودند و فردوسی به جهت احترام از آنان سخن به زبان آورده و هیچکدام معاصر یا حکیم طوس نبوده‌اند. مأخذ اصلی فردوسی در